

## آمار روند خصوصی سازی در دولت خاتمی کندتر از دولت

از دهه ۱۹۹۰ پس از توفیق حرکت های مردمی در کشورهای اروپای شرقی و تشکیل دولت های براساس انتخابات آزاد، روندی آغاز شد که به مردمی کردن اقتصاد و یا خصوصی سازی شهرت یافت. برخی کشورها از جمله مجارستان، لهستان و چک سال های قبل از فروپاشی بلوک شرق اصلاحات ساختاری را در اقتصاد آغاز کرده بودند. (به ویژه

مجارستان که از سال ۱۹۸۶ گام های جدی را برداشته و حتی در این امر از نظریات رییس کمیسیون نوسازی اقتصاد جهانی پرونسوریان تین برگن هلندی (برنده جایزه نوبل ۱۹۶۹) بهره می جست) لذا روندی را طی کردند که با کمترین تنش سیاسی این مرحله را گذراندند. برای مثال، اقتصاد مجارستان که ۹۵ درصد دولتی بود، در ظرف مدت هفت سال به ۳۵ درصد دولتی و ۷۱ درصد خصوصی تغییر ماهیت داد، اقدامات این کشورها در کنار خصوصی سازی و نوسازی آلمان شرقی پس از فروپاشی دیوار برلین سازمانی مستقل به وجود آوردند و در مدت پنج سال اقتصاد آلمان شرقی سابق را هم نوسازی و هم خصوصی سازی کردند، قابل ستایش بود.

خصوصی سازی در کشور ما در دولت آقای هاشمی آغاز گردید و با سه روش بورس، مزایده و مذاکره اتفاق افتاد و عملاً از سال ۱۳۷۰ وارد این مرحله شدیم. صرف نظر از مقاومت های درون ساختاری چه از طریق مدیران و چه از طرف جناح ها و باندها، خصوصی سازی آغاز گردید.

صاحب قلم در آن سال ها نیز درمندان طمی مقالاتی خواستار شد که قبل از آغاز واگذاری کلیه شرکت ها و واحدهای تولیدی و خدماتی از نظر هزینه - فایده توسط گروهی از مدیران و کارشناسان خوشنام و معتقد به حرمت بیت المال ارزیابی شوند و آنگاه ضمن مطالعه در ساختار اقتصاد کشور از یکسو و مطالعه روند اجرایی در سایر کشورها و با در نظر گرفتن تجارب آنها، واگذاری ها صورت گیرد. رییس جمهور وقت گرچه حسن نیت داشته و شجاعانه از مدیران حمایت می کردند ولی بدنه مدیریتی و اقتصادی سعی کردند اولاً از دسترسی به اهداف مانع شوند و ثانیاً کار را به تندی انجام دهند و ثالثاً شرکت ها را به نوعی به دوستان واگذار کنند. از سال ۷۰ تا ۷۶ که دولت آقای هاشمی این روند را انجام می دادند، دو مرحله شاخص قابل رویت است و ۳۹۴ میلیارد ریال (۱۹ درصد) را توسط مذاکره واگذار کردند. طی این دوره توفیق واگذاری شرکت ها ۲۷ درصد برنامه بوده است. مرحله بعدی از ۷۲ تا ۷۶ است که ۲۵۴ میلیارد ریال (۱۷/۳ درصد) از طریق بورس و مبلغ ۵/۴ میلیارد ریال توسط مزایده (۳/۱ درصد) و مبلغ ۷/۸ میلیارد ریال توسط مذاکره (۳/۴ درصد) که میزان توفیق برنامه جمعا ۱۶ درصد بوده است. دقت در آمار و ارقام بیانگر آن است که در مرحله دوم (۷۶-۷۴) اتفاقات ذیل افتاده است:

۱- واگذاری از طریق بورس دقیقاً به نصف کاهش یافته است.

۲- واگذاری از طریق مزایده حتی کمتر از نیم درصد (۳/۳ درصد) بوده است.

۳- واگذاری توسط مذاکره باز سیر بسیار نزولی و در حد ۳/۴ درصد بوده است.

این آمار نشان می دهد که واگذاری مرحله اول (۷۳-۷۰) در مرحله دوم (۷۶-۷۴) از ۶۷ درصد به ۱۶ درصد یعنی کمتر از یک سوم رسیده است. کالبد شکافی هلال کاهش شدید، حکایت از آن دارد که به دلیل، گذاری های غیر شفاف و عمدتاً در مواردی جیب - جیب (به خصوص از طریق بورس) و پیدایش نقدها و حرف و حدیث ها، حاصل مرحله دوم واگذاری (۷۶-۷۳)

(۷۴) در حکم هیچ بوده است.

متأسفانه پیدایش قوم و خویش سالاری در کلان مدیریت جامعه موجب شد واگذاری ها در مواردی به افراد و نهادهای شخصیت های مشخص و معین انجام گیرد، لذا دست اندازهای فراوان، سرعت حرکت را کاملاً به کمترین رساند. علاوه بر این مسایل همانطوری که گفته شد، استراتژی دولت اصلاً در این حوزه روشن و شفاف نبود و ضمناً هنوز تعداد دقیق نهادها و شرکت های دولتی سرشماری نشده بود. در این میان با توجه به هلاک رییس دولت به سازندگی و پبیران ضرور زبان دوران جنگ، برخی مدیران به هوس دوباره سازی شرکت ها افتادند. تاسیس شرکت های سرمایه گذاری بانک ها که هر کدام صد ها شرکت را سهامدار شده اند خود موید این گفته است.

کشورهای اروپای شرقی، مالزی، اندونزی، شیلی، آرژانتین، برزیل، ترکیه و... در یک دوره پنج ساله برنامه خصوصی سازی را انجام دادند اما ما هنوز پس از گذراندن ۱۵ سال (سه برنامه) در آغاز راه هستیم و اگر باین سرعت حرکت کنیم در برخی حوزه ها ۲۰ سال به زمان نیاز داریم. قابل ذکر است که گرانی های سرسام آور با وجود افزایش قیمت نفت و تولید ناخالص ملی (۱۲۸ میلیارد دلار) از عوامل مختلف از جمله ناکامی ما در مردمی کردن اقتصاد کشور سرچشمه می گیرد. به سخن شفاف پاشنه آشیل اقتصاد ایران دولتی بودن و متمرکز بودن، ناکارآمد بودن و عدم توفیق در مردمی کردن آن است.

در دوره آقای خاتمی نیز دو دوره را مدنظر می گیریم دوره اول ۷۹-۷۷، در این دوره اتفاق عمده ای که افتاده، موضوع واگذاری است که از طریق مذاکره حذف شده که خود گامی در بهینه و شفاف سازی است. در این دوره از طریق بورس ۵۶۹/۵ میلیارد ریال (۲۷/۴ درصد) و از طریق مزایده ۶۷۲ میلیارد ریال (سه درصد) خصوصی سازی صورت گرفت. یعنی جمعا ۳۰/۴ درصد برنامه تحقق یافت که در مقایسه با دوره اول دوران آقای هاشمی حدود ۱۷ درصد کاهش را نشان می دهد. در دوره دوم یعنی از ۸۰-۸۱ باز واگذاری بسیار کمتر شده و فقط ۱۳/۲ درصد برنامه واگذاری تحقق یافته است. در این دوره ۱۳۶/۶ میلیارد ریال (معادل ۶/۶ درصد) از طریق بورس و مجدداً حدود ۱۳۶/۶ میلیارد ریال توسط مزایده (یعنی ۶/۶ درصد) واگذاری انجام گرفته است. این میزان واگذاری در مقایسه دوره اول آقای خاتمی حدود ۳/۸ درصد کاهش و در مقایسه با دوره اول آقای هاشمی ۳۳/۸ درصد کاهش داشت.

ملاحظه می شود که با وجود بهبود روش ها و حتی فعال شدن بیش تر بورس سرعت حرکت بسیار کند است و اگر در این دوره ۱۶ ساله کند و گاو نماییم درمی یابیم که ارقام و آمار بودجه ای در حوزه شرکت های دولتی نه تنها کاهش نیافته است بلکه افزایش نیز یافته است. ۶۳ درصد بودجه سال ۱۳۸۳ در اختیار شرکت های دولتی است و اگر اهداد و ارقام موجود بودجه با ارقام و اعداد واگذاری ها در طول ۱۴ سال مقایسه شود، می توان پیش بینی کرد که برای دستیابی به تغییر مالکیت و مردمی کردن اقتصاد کشور به چندین برابر ۱۴ سال نیاز داریم. با این سرعت نمی توان اقتصاد فربه و چاق، ناکارآمد و متمرکز دولتی (حد اقل ۷۵ درصد کل اقتصاد) را به یک اقتصاد پویا، مردمی و غیر متمرکز تغییر داد البته با طرحی نو و اراده قوی توأم با استراتژی و تاکتیک می توان به اهداف دست یافت. همانطوری که ذکر شد سازمان خصوصی سازی آلمان شرقی با خاتمی در راس خود توانست از سال ۹۰ تا ۱۹۹۵ اقتصاد این کشور را بازسازی و نوسازی و خصوصی سازی نماید. خواستن توانستن است. ان شاء...